

## جوادی خواجه روشنایی، غلام حیدر (۱۲ فروردین ۱۳۲۹ - ۲۴ آذر ۱۳۵۹) فرمانده گروهان مستقر در تپه‌های الله اکبر - ستاد عملیاتی خراسان

غلام حیدر در خانواده‌ای به لحاظ مستضعف در قریه برگ کورشک از توابع شهرستان مشهد به دنیا آمد. (اداره ثبت ...). پدرش محمد (۱۲۹۷-۱۳۷۴) کارگر بود و مادرش رقیه حیدری عبدالخانی (زاده: ۱۳۱۵) خانه‌دار بود. فرهنگ اعلام ...، ذیل نام؛ اداره کل ...، فرم استخراج ... او پنج برادر به نام‌های: حسین، اصغر، علی اکبر، رضا و قاسم و سه خواهر به نام‌های: زهرا، صدیقه و معصومه داشت (اداره کل ...، فرم مشخصات؛ جوادی خواجه روشنایی، غلام حیدر، نامه). در شش سالگی قرآن را آموخت. پدرش برای تشکر از معلم قرآنش دو رأس گوسفند به معلمش هدیه داد. (موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۵۵۴) به علت علاقه زیاد به فراگیری علوم دینی از خانواده‌اش درخواست کرد به مشهد مهاجرت کنند. وی در مشهد همزمان با تحصیل در مدارس جدید، در حوزه علمیه هم مشغول فراگیری علوم حوزوی و قدیمی شد (موسوی، اسوه‌های فضیلت، ص ۳۶۳). از استادان شاخص او در حوزه می‌توان حضرت آیت اله حجت الاسلام خامنه‌ای [رهبر کنونی انقلاب اسلامی] آیت اله واعظ طبسی [نماینده رهبری در خراسان و تولیت آستان قدس رضوی پس از انقلاب اسلامی را عهده‌دار بود و در ۱۴ اسفند ۱۳۹۴ رحلت کرد] حجت الاسلام سیدرضا کامیاب [در ۱۳۶۰ در بلوار راه آهن (شهید کامیاب کنونی) توسط منافقان ترور و شهید شد] نام برد (موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۵۵۴).

او به علت فقر مالی، با کارگری در فروشگاه نجاری و ...، به تامین معاش خانواده و هزینه تحصیل خودش کمک می‌کرد. وی با عشق و علاقه و جدیت بسیار فراوان، درس و تحصیلات کلاسیک (جدید) را تا مقطع دیپلم و تحصیلات حوزوی را تا سطح دو (پایان لمعتین) ادامه داد (مدرسه علمیه سلیمانیه؛ مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان) و در هر دو مرکز آموزشی مورد تشویق و تقدیر قرار گرفت.

در ۲۰ سالگی (۱۳۴۹) با خانم صدیقه پشمی اشکذری - که دختری یزدی الاصل بود- ازدواج کرد.

در دوران مبارزات انقلابی مردمی ۱۳۵۷، غلام حیدر با دستگاه تکثیری که تهیه کرده بود، در خانه به تکثیر اعلامیه‌ها و پیام‌های آیت الله خمینی (ره) می‌پرداخت و علاوه بر مشهد، در سایر استان‌ها و شهرهای کشور مثل اصفهان، شیراز و کرمان نیز توزیع می‌کرد. (خواجه روشنایی، علی اکبر؛ حیدری عبدالخانی). در راهپیمایی‌ها و تظاهرات مردمی پا به پای مردم مشهد حضور داشت. برای استقبال از امام خمینی (ره) در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به تهران رفت (موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۵۵۷).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ابتدا وارد گشت شب و کمیته حرم مطهر امام رضا (ع) شد و در تامین امنیت شهر مشهد و مراکز مهم آن و حفاظت از اراضی و املاک آستان قدس رضوی ایفای نقش کرد (همان) و با حجت الاسلام موسوی قوچانی، [بعدها در دفاع مقدس به شهادت رسید] و [شهید] کامیاب در انسجام بخشی به نیروهای انقلابی و تشکیل صندوق قرض الحسنه، همکاری و مساعدت نزدیک داشت (اداره کل بنیاد شهید ...، فرم مشخصات شهید؛ پشمی اشکذری).

غلام حیدر در ۷ خرداد ۱۳۵۸ عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشهد شد و تا ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ با سمت دژبان ستاد عملیات سپاه خراسان و در ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ مسئولیت تدارکات و اسلحه خانه ستاد را عهده‌دار گردید. (موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۵۵۷). وی ضمن مبارزه با منافقان، جلسات درس احکام و تفسیر در مساجد محلات را برگزار می‌کرد (اداره کل بنیاد شهید ...، فرم شماره ۱، مصاحبه والدین).

اوایل سال ۱۳۵۹ برای مقابله با ضد انقلابیون تجزیه طلب به کردستان رفت و با سمت فرمانده دسته و مسئول تسلیحات، در پاکسازی شهرها و روستاهای کردستان از لوٹ وجود گروهک‌ها و برقراری امنیت در آن دیار به مبارزه با گروهک‌های محارب پرداخت (موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۵۵۸).

پس از تجاوز حکومت بعثی حاکم بر عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ غلام حیدر جزو اولین گروه‌های اعزامی از خراسان بود که اوایل آبان به اهواز رفت و در ستاد عملیات خراسان، فرماندهی گروهان را عهده‌دار گردید و در جبهه ارتفاعات الله اکبر در ۱۰ کیلومتری شمال سوسنگرد و نزدیکی بستان مستقر شد و به دفاع از نظام و کشور پرداخت (موسوی، اسوه‌های فضیلت؛ اداره کل...، امور فرهنگی، پژوهش‌های فرهنگی).

این روحانی و رزمنده خدوم و فعال در حال دیده بانی و کسب اطلاعات از دشمن با شلیک گلوله مورد اصابت تیر و ترکش قرار گرفت و در ۳۰ سالگی به شهادت رسید. پیکرش در آنجا باقی ماند. پس از ۲۴ ساعت یکی از رزمندگان دلیر به نام جمعه محمد نظامی پیکر وی را به عقب آورد و خود نیز روز بعد به خیل شهیدان پیوست (موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۵۵۹؛ روحانی شهید غلام حیدر...، اداره کل...، پژوهش‌های فرهنگی).

پیکر شهید جوادی خواجه روشنایی پس از انتقال و تشییع در گلزار شهدای خواجه ربیع مشهد به خاک سپرده شد (همراه ایثار).

روحانی شهید غلام حیدر جوادی خواجه روشنایی، انسانی بسیار منظم، با تقوا، گشاده رو، خوش اخلاق و با گذشت بود. با والدین، دوستان و بستگانش آنقدر صمیمی بود که آنان وی را محرم اسرار خود می‌دانستند. به انجام واجبات شرعی بسیار معتقد، مقید و پایبند بود. از تظاهر و ریا پرهیز می‌کرد. در جلسات مذهبی شرکت می‌کرد و اداره آنها را بر عهده می‌گرفت. نیمه‌های شب به تهجد و شب زنده داری و راز و نیاز با خدا می‌پرداخت. اوقات فراغتش را با تلاوت قرآن و مطالعه کتاب‌های مذهبی و سیاسی سپری می‌کرد (اداره کل...، پرونده پژوهشی). برادرش، علی اکبر می‌گوید: من در منطقه مسئولیت تبلیغات را بر عهده داشتیم، قرآن‌ها و رادیوهایی برای هدیه به رزمندگان فرستاده بودند که من توزیع کردم. وقتی قرآن و رادیو را به او هدیه دادم بسیار خوشحال شد و گفت: اگر همه دنیا را به من می‌دادی به اندازه این هدیه خوشحال نمی‌شدم. قرآن، برای ارتباط با خدا و رادیو برای ارتباط با خلق خدا! (موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۳۶۴).

به نماز اول وقت بسیار مقید بود و حتی الامکان سعی می‌کرد در مساجد و اماکن متبرکه به جماعت اقامه کند. وقتی در مغازه به کارگری مشغول شده بود با صاحب مغازه قرار گذاشته بود نماز اول وقتش را بخواند. (موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۵۵۸) نماز صبح را به امامت حجت الاسلام نجف آبادی (ره) در مسجد گوهرشاد اقامه می‌کرد و سپس پای درس تفسیر ایشان می‌نشست (موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۵۵۵؛ موسوی، اسوه‌های فضیلت، ص ۳۶۲؛ وفایی؛ ابراهیمی فخر و دیگران).

با فرزندانش بسیار مهربان بود: سعی داشت روزی حلال برای آنان فراهم سازد. (موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۷۷۶) با گذشت، درستکار و اهل مطالعه و نشر آن بود. (رستگار) فعال و دلسوز برای همه فرزندانش بود (پشمی).

در نامه‌هایش بر درس خواندن بچه‌ها خیلی تاکید می‌کرد. (همو) در نامه‌ای که قبل از شهادتش خطاب به پدرش نگاشته ضمن ابلاغ سلام به مادر و همسر و برادران و خواهران و فرزندانش خطاب به پدرش نوشته است: «به فرزندانم بگویند: پدرتان گفته: مادرتان را اذیت نکنید و به حرفش بکنید [به حرفش گوش کنید] و توی کوچه نروید و نماز بخوانید و قرآن بخوانید و دعا کنید...» (بش).

برادرش می‌گوید قبل از شهادتش خطاب به همسر و فرزندانش چنین توصیه کرد:

خوب می‌دانید که چقدر به شما علاقه دارم! به خدا! هر لحظه آرزو دارم در کنارتان باشم! می‌دانم بنایی منزل مخروبه ام و آسفالت پشت بام‌ها را ناتمام گذاشته‌ام! اما چه کنم ادای تکلیف و امر امام [خمینی (ره)] ایجاب می‌کند که اینجا [اهواز] باشم. آخر دشمن نزدیک اهواز است و هر لحظه ممکن است واردش [اهواز] بشود. مرا ببخشید و همه این‌ها را به حساب خدا بگذارید. (اداره کل...، فرم شماره یک) خدا را فراموش نکنید. نماز را اول وقت بخوانید، برای پیروزی رزمندگان اسلام و سلامتی امام [خمینی (ره)] دعا کنید (اداره کل بنیاد...، فرم شماره ۲، مصاحبه همسر و فرزندان).

از این شهید عزیز ۵ فرزند به نام‌های: زهرا (زاده: ۱۳۵۱)، محمد (زاده: ۱۳۵۳)، علی (زاده: ۱۳۵۴)، معصومه (زاده: ۱۳۵۷) و رسول (زاده: ۱۳۵۹) به یادگار مانده است (فرهنگ اعلام ...، ذیل نام؛ اداره کل بنیاد شهید ...، پرونده فرهنگی؛ موسوی، تا مرز روشنایی، ص ۵۵۶).

برادرش حسن (یکم فروردین ۱۳۴۱ - ۲۲ فروردین ۱۳۶۲) با سمت جانشین واحد اطلاعات - عملیات در منطقه شرفانی در عملیات والفجر یک بر اثر اصابت ترکش به شکم شهید شد (فرهنگ اعلام شهدای خراسان رضوی، ذیل نام).

مسجد و حسینیه خواجه روشنایی در محله ده دی شهر مشهد و در خیابان دیالمه، خیابان آخوند خراسانی واقع شده است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی این مکان در نزدیکی مراکز ماند بیمارستان و زایشگاه سینا، رستوران لیالی لبنان و خانقاه شیخ باقر علیشاه (گنبد سبز) و حرم مطهر علی بن موسی الرضا (ع) قرار گرفته است (نرم افزار بلد).

## مآخذ:

ابراهیمی فخر محمد و دیگران ...، لاله‌های جاوید: فرهنگ نامه شهدای مشهد مقدس، مشهد: ستاره‌ها، ۱۳۹۴؛ اداره ثبت احوال مشهد، شناسنامه شهید، موجود در اداره اسناد و انتشارات اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی؛ اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی، امور فرهنگی، پژوهش‌های فرهنگی، موجود در همان مرکز؛ همان، فرم مشخصات شهید، موجود در همان مرکز؛ همان، پرونده فرهنگی، موجود در همان مرکز؛ همان، فرم شماره ۱، (مصاحبه با والدین و برادر و خواهر) موجود در همان مرکز؛ همان، پرونده سرگذشت پژوهی، موجود در همان مرکز؛ پشمی اشکذری، صدیقه، (همسر شهید)، مصاحبه، فرم شماره ۲، موجود در همان مرکز؛ جوادی خواجه روشنایی، علی اکبر (برادر شهید)، مصاحبه، پرونده گذشت پژوهی، موجود در همان مرکز؛ جوادی خواجه روشنایی، غلام حیدر، نامه‌ها، موجود در همان مرکز؛ حیدر عبدالخانی، رقیه (مادر شهید) مصاحبه، فرم شماره ۱، موجود در همان مرکز؛ رستگار، سید محمد (دوست شهید)، فرم شماره ۳، (مصاحبه با دوستان شهید)، موجود در همان مرکز؛ روحانی شهید غلام حیدر جوادی خواجه روشنایی (بی تا)، جلوه‌های ایثار <jelveiesar.ir>، (دسترسی: ۲ تیر ۱۴۰۲)؛ فرهنگ اعلام شهدای خراسان رضوی، به کوشش معاونت پژوهش و تحقیقات بنیاد شهید و امور ایثارگران، تهران: شاهد ۱۳۹۵؛ مدرسه سلیمانیه، گواهی تحصیلی، ۱۸ دی ۱۳۹۵، شماره ۳۶۴۴/۶۴/م، موجود در اداره اسناد و انتشارات اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی؛ مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، گواهی تحصیلی، فروردین ۱۳۹۶، شماره ۵۱۶۵۶۴ - ۹۶، موجود در همان مرکز؛ موسوی، سید سعید، تا مرز روشنایی: فرهنگنامه خانواده‌های دو شهید به بالا استان خراسان، ج اول، چ اول، مشهد: ستاره‌ها، ۱۳۸۸، موسوی، سید سعید، اسوه‌های فضیلت: فرهنگ نامه شهدای روحانی خراسان رضوی، جلد اول، مشهد: ستاد یادواره شهدای روحانی خراسان رضوی با همکاری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: (بوستان کتاب)، چ اول، ۱۳۸۹؛ وفایی، محمد، (طلبه و دوست شهید)، فرم شماره ۴ (مصاحبه با دوستان شهید) موجود در اداره اسناد و انتشارات اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی.

سید محمد طالبیان